گزارش یک

حامد خبیری

عراقچی: جنگ ممکن است از دیپلماسی کم‌هزینه‌تر باشد

وزیر امور خارجه در یک موضع‌گیری کم‌سابقه، شاید هم بی‌سابقه گفته که در سیاست خارجی کشورها، مذاکره و دیپلماسی راه‌هایی کم‌هزینه‌تر و کم‌خطرتر هستند، اما گاهی اوقات، هزینه آنها از جنگ هم بیشتر می‌شود و بالعکس، «جنگ کردن، گاهی از مذاکره‌ای که منجر به تسلیم شود، کم‌هزینه‌تر است»، موضعی که در آن، طنین کلام سیاستمدارانی مانند چرچیل و کیسینجر، چشم‌انداز دیدگاه‌های کلاوزویتس نظریه‌پرداز معروف جنگ و صلح و رویکرد رئالیست‌هایی مانند هانس مورگنتا و کنت والتز نمایان است، کسانی که همگی صریح یا ضمنی معتقد بودند که امتیازدهی دیپلماتیک از موضع ضعف، می‌تواند به «صلحی پرهزینه‌تر از جنگ» منجر شود.

عباس عراقچی اغلب با دیپلماسی و به عنوان مرد دیپلماسی شناخته می‌شود، چهره‌ای که از اولین دوره مذاکرات هسته‌ای در تیم مذاکره‌کننده ایرانی حاضر بوده، در توافق سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) معروف به برجام نقشی کلیدی ایفا کرده، در چند ماه اخیر کتابی با عنوان «قدرت مذاکره» به بازار فرستاده و حتی تا همین اواخر، یعنی بعد از جنگ ۱۲ روزه با رژیم صهیونیستی و حمله امریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، پروپاقرص از دیپلماسی حمایت می‌کند. عراقچی هنوز هم به قدرت مذاکره باور دارد و در گفت‌وگوی ۷۲دقیقه‌ای خود با ایرنا که متن آن دیروز روی تلکس خبرگزاری‌ها قرار گرفت، تأکید کرده که «مذاکره و دیپلماسی راه‌هایی کم‌هزینه‌تر و کم‌خطرتر هستند». با این حال، او در همین گفت‌وگو، «قداست ذاتی» هردو (جنگ و دیپلماسی) را زیر سؤال می‌برد: «هیچ‌یک از این دو ابزار (جنگ و دیپلماسی)، قداست ذاتی ندارند و هیچ‌کدام نیز پلیدی ذاتی ندارند». او در موضعی که بیش از همه موضع‌گیری‌های هفته‌ها اخیر، نشانه‌های تغییر «پارادایم» سیاست خارجی ایران در آن نمایان است، گفته است: «هم مذاکره و هم جنگ، هر دو ابزارهایی هستند که حکومت‌ها برای رسیدن به اهداف خود انتخاب می‌کنند. مذاکره و دیپلماسی راه‌هایی کم‌هزینه‌تر و کم‌خطرتر هستند، اما گاهی اوقات، هزینه آنها از جنگ هم بیشتر است. جنگ معمولاً راهی پرهزینه است، اما برخی مواقع از مذاکره‌ای که منجر به تسلیم شود، کم‌هزینه‌تر است.» عراقچی ادامه می‌دهد: «بنابراین، هیچ‌یک از این دو ابزار، قداست ذاتی ندارند و هیچ‌کدام نیز پلیدی ذاتی ندارند. همه‌چیز بستگی دارد به اینکه در چه شرایطی، کدام ابزار را به کار بگیرید.» او نتیجه می‌گیرد: «در برخی موقعیت‌ها باید بجنگید؛ اگر نجنگید، به‌اصطلاح، باخته‌اید و منافع کشور را نادیده گرفته‌اید. در برخی شرایط نیز نباید جنگید، چراکه در این صورت، هزینه‌ای غیرضروری به کشور تحمیل می‌شود.» وزیر خارجه که در گفت‌وگوی خود یک بار دیگر تأکید می‌کند که «در بعضی مواقع باید مذاکره کرد و مشکلات کشور را از طریق مذاکره حل نمود» ولی در موضعی که نشان‌دهنده شرایط حاکم بر سیاست خارجی ایران بعد از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل است به صراحت می‌گوید: «گاهی هم نباید مذاکره کرد؛ مخصوصاً زمانی که مذاکره ممکن است به تسلیم، خواری، یا زیر سؤال رفتن عزت یک کشور بینجامد. زمانی که حاکمیت کشور تهدید شود و طرف مقابل بخواهد از طریق مذاکره به خواسته‌هایی برسد که از طریق جنگ نتوانسته به آنها دست یابد»

صحبت از جنگ در ۱۰۰ کلمه اول گفت‌وگو

جملات عراقچی درباره جنگ و دیپلماسی در همان ۱۰۰ کلمه اول گفت‌وگوی او بیان شده، جایی که خبرنگار از او درباره «رویکرد دولت در سیاست خارجی به‌خصوص پس از جنگ» سؤال کرده و او نیز در تشریح این رویکرد مجدداً بر دیپلماسی پافشاری می‌کند: «ما به‌دنبال افزایش تعاملات دیپلماتیک بوده‌ایم، به‌ویژه در منطقه و در محیط همسایگی. از تعامل دیپلماتیک با کشورهای غربی، از جمله ایالات متحده امریکا و مذاکره با امریکا در موضوع هسته‌ای نیز هرگز ابا نکرده‌ایم. در این زمینه برنامه‌ریزی کرده و حتی اقدام هم کرده‌ایم.» او با این حال، در همان ابتدای گفت‌وگو تلویحاً در حال نشان دادن این واقعیت است که که به‌رغم اصرار بر رویکرد دیپلماسی طی ۳۰۰ روز نخست دولت چهاردهم، پاسخی که ایران دریافت کرد، جنگ بوده است: «همه شاهد بودند که ما پنج دور مذاکره داشتیم که در نهایت، به جنگ منتهی شد» و از همین‌جا است که وزیر خارجه در کلمه شماره ۹۰ مصاحبه تفصیلی خود، با گفتن اینکه «من همین‌جا جمله‌ای را که بارها گفته‌ام، بار دیگر تکرار می‌کنم تا سوءتفاهمی پیش نیاید»، دیدگاه کمتر بیان شده (شاید هم بیان نشده) خود درباره جنگ و مذاکره در شرایط جاری ایران را بیان کرده است. عراقچی گفته که موضوع جنگ و مذاکره «مسائلی هستند که در مورد آنها باید به‌صورت موردی تصمیم‌گیری شود. دولت چهاردهم کاملاً به این اصل ملتزم است که منافع ملی ایران و مصالح عالیه مردم ایران تعیین‌کننده هستند که در هر مقطع، چه کاری باید انجام شود. ما همان‌طور که در جنگ با جدیت، قوت، و اقتدار ایستادیم، جنگیدیم، مقاومت کردیم و نتایجش را هم دیدیم؛ اگر لازم باشد، در مذاکره نیز با همان قوت و اقتدار می‌ایستیم و تلاش می‌کنیم منافع کشور را تأمین کنیم. همان‌گونه که در جنگ مقاومت کردیم، در مذاکره نیز مقاومت کرده‌ایم.» او تلویحاً جنگ ۱۲ روزه را نتیجه مقاومت ایران در موضع دیپلماتیک خود دانسته و می‌گوید «وقتی طرف مقابل در مذاکره از تحمیل خواسته‌های خلاف منافع و امنیت ایران ناامید شد، به ابزار بعدی خود (جنگ) روی آورد.» او به نوع بیان رئیس‌جمهور در دیپلماسی اشاره می‌کند که گاه طی روزهای اخیر مورد انتقاد قرار گرفته است: «البته ادبیات ایشان، ادبیات خاص خودشان است و مردم نیز با همین ادبیات به ایشان رأی داده‌اند. ادبیاتی که از نظر من، از خلوص نیت و مردمی‌بودن ایشان ناشی می‌شود. ایشان با زبان خودشان صحبت می‌کنند و ما هم در وزارت امور خارجه با ادبیات خودمان صحبت می‌کنیم.» به گفته وزیر خارجه، اصل ماجرا اما «مرام ما در سیاست خارجی این است که از ابزار دیپلماسی در هرجا که لازم باشد استفاده کنیم و فرصت‌هایی را که دیپلماسی ایجاد می‌کند از دست ندهیم.» او می‌گوید: «نباید نگاهی صفر و صدی به مذاکره یا جنگ داشت؛ اینکه جنگ همیشه مقدس و مذاکره همیشه امری پلید است که نباید به سراغ آن رفت، نگاهی نادرست و غیرواقع‌بینانه است.»

دیپلماسی ۳ بار جلوی جنگ را گرفت

عراقچی در پاسخ به این سؤال که آیا امروز پس از آن جنگ ۱۲روزه وقتی به عقب نگاه می‌کنید فکر می‌کنید راهی داشتید که با دیپلماسی جلوی تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی را بگیرید، گفته که «قبل از این جنگ ۱۲روزه، حداقل سه بار دیگر هم تا آستانه جنگ پیش رفتیم.» وزیر خارجه توضیح داده که در همان مقطع، «در یک فاصله زمانی کوتاه تقریباً به همه کشورهای منطقه سفر کردم و یک فهم جمعی در منطقه شکل گرفت که جنگ به نفع هیچ‌کس نیست و اگر جنگ در منطقه گسترش پیدا کند، می‌تواند خسارت‌های زیانباری برای همه کشورهای منطقه داشته باشد» و تأکید می‌کند که همین دیپلماسی بود که «در مقاطع مختلف جلوی جنگ را گرفت، عقب انداخت و محدود کرد. حتی در جنگ ۱۲روزه، به نظر من دیپلماسی ما موفق شد دامنه جنگ را محدودتر از آن چیزی که می‌توانست باشد، نگه دارد. این به خاطر کار دیپلماسی بود.» با همه اینها، او می‌گوید که این «فقط دیپلماسی نیست که می‌تواند جلوی جنگ را بگیرد. مجموعه قدرت‌های یک کشور است که بازدارندگی ایجاد می‌کند. دیپلماسی در واقع زبان قدرت یک کشور است، نه خود قدرت آن کشور. قدرت وقتی ایجاد می‌شود که یک دیپلماسی موفق بتواند مؤلفه‌های قدرت کشور را به امنیت و منافع تبدیل کند.» او توضیح می‌دهد: «لذا وقتی علت وقوع یا عدم وقوع جنگ را بررسی می‌کنیم، باید مجموعه مؤلفه‌های قدرت کشور را در نظر بگیریم. حتی در آن دفعاتی که جنگ نشد و سیاست ما فعال شد و در منطقه حرکت کرد، همه آن را فقط به دیپلماسی نسبت نمی‌دهم، بلکه توانمندی نیروهای مسلح ما برای واکنش‌های قوی بود که مانع جنگ شد. در جنگ هم این توانمندی بود که باعث پایان جنگ شد. البته دیپلماسی مؤثر بود، اما واقعاً توان واکنش قدرتمند جمهوری اسلامی بود که باعث ناامیدی دشمن از ادامه جنگ شد.» عراقچی توضیح می‌دهد: «بعد از ۱۲ روز دیدند ضربات وارد شده برایشان غیرقابل تحمل است و بنابراین آنها بودند که درخواست آتش‌بس دادند.» عراقچی معتقد است که با وجود همه توانمندی نیروهای مسلح و ابزارهای دیپلماتیکی که ایران پیش از جنگ ۱۲روزه به کار گرفت، شرایط به جایی رسید که جنگ اجتناب‌ناپذیر شده بود: «بعضی وقت‌ها جنگ اجتناب‌ناپذیر است، چه دیپلماسی باشد چه مجموعه عوامل دیگر. نهایتاً شرایط به گونه‌ای است که مجبور می‌شوید بجنگید. مذاکراتی که انجام شد، امریکا اصرار داشت به خواسته‌ای برسد که از نظر ما غیرممکن بود.» خبرنگار از وزیر خارجه می‌پرسد که آیا منظورش «غنی‌سازی صفر» است که او می‌گوید: «بله، ما در مقابل این خواسته مقاومت کردیم و وقتی ناامید شدند از تحقق این خواسته در مذاکره، به سوی حمله نظامی رفتند.»

آمادگی برای جنگ جلوی جنگ را می‌گیرد

عراقچی گفته که «گاهی در میان مذاکرات با امریکا ما تلاش می‌کردیم آنها را به این نقطه برسانیم که تحقق خواسته عدم سلاح هسته‌ای الزاماً با وجود غنی‌سازی تناقض ندارد». در همین چارچوب به گفته او، برخی مواقع پیشنهادهایی مطرح می‌شد که «می‌توانست کارساز باشد، اما وقتی این پیشنهادات به واشینگتن می‌رفت، دوباره تصمیم‌شان عوض می‌شد. واضح بود که لابی قوی‌تری در واشینگتن بر آنها تأثیرگذار است.» وزیر خارجه در پاسخ به این سؤال که برخی منتقدان می‌گویند که وزارت خارجه اختیار کافی برای تصمیم‌گیری ندارد، تلویحاً آن را طبیعی دانسته و می‌گوید: «تصمیمات نظام فراتر از وزارت امور خارجه گرفته می‌شود و وزارت امور خارجه مجری این تصمیمات است. در اجرای این تصمیمات دست باز داریم و در زمان تصمیم‌گیری نیز می‌توانیم نظرات و تحلیل‌های خود را مطرح کنیم، که این هم به‌طور کامل امکان‌پذیر است. اما وقتی تصمیمی گرفته شود، دیگر مجری نمی‌تواند بگوید من دست باز می‌خواهم تا هرطور که دلم خواست عمل کنم. این با هیچ قاعده‌ای سازگار نیست؛ نه عقل و منطق، نه اصول حکومت‌داری و نه نظم سازمانی چنین اجازه‌ای می‌دهد.» عراقچی این انتقاد را که وزیر شدن او را محافظه‌کار کرده تلویحاً رد کرده و می‌گوید: «آن دوستانی که چنین ادعایی دارند، خودشان هم در شرایط مشابه بوده‌اند و تجربه کرده‌اند که وزیر خارجه به طور خاص و دولت به صورت عام در سیاست خارجی نمی‌تواند هر مسیری را که خودش تشخیص می‌دهد، دنبال کند.» وزیر خارجه یک بار دیگر دیدگاه خود را درباره اینکه جنگ دیگری در راه است یا نه بیان کرده و می‌گوید: «البته شاید اشتباه کنم، ولی حس من این است که یک التهاب، یک اضطراب و یک بلاتکلیفی غیرمعمولی بیشتر از آن چیزی که باید باشد، به جامعه ما تزریق می‌شود و ما نباید اجازه دهیم این تزریق صورت بگیرد. این معنایش این نیست که مراقب نباشیم که جنگی صورت نگیرد، معنایش این نیست که احتیاط‌های لازم را انجام ندهیم.» عراقچی یک بار دیگر دیدگاه صفر و صد درباره مذاکره و جنگ را به نقد کشیده و می‌گوید: «بعضی‌ها در دیپلماسی و جنگ از این سوی بام می‌افتند، یعنی مذاکره را همیشه خوب می‌دانند و راه‌حل همه چیز می‌دانند و جنگ را همیشه بد می‌دانند. باز تکرار می‌کنم، آنجایی که باید بجنگی باید بجنگی و آنجا که نباید بجنگی نباید بجنگی. مذاکره هم همین‌طور است. الان این تصور که چون احتمال جنگ وجود دارد، پس باید برویم مذاکره کنیم، جوابش این است که مگر مذاکره نمی‌کردیم که جنگ شد؟ پس مذاکره لزوماً جلوی جنگ را نمی‌گیرد. ما از همه جهت باید آماده باشیم. چیزی که جلوی جنگ را می‌گیرد، آمادگی برای جنگ است. اگر دشمنان شما احساس کنند که آمادگی جنگیدن ندارید، جنگ را بر شما تحمیل خواهند کرد. آمادگی برای جنگ همچنین نباید منجر به اضطراب برای جنگ، التهاب برای جنگ شود.» او ادامه می‌دهد: «ما برای مذاکره الان طرح داریم، ولی بدانیم که این معنایش این نیست که مذاکره جلوی جنگ را می‌تواند بگیرد. یک ماه، دو ماه از تجربه بسیار اخیرمان نگذشته است.»

ممکن است از NPT هم خارج شویم

عراقچی در بخشی از گفت‌وگوی خود به بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران اشاره کرده که به گفته او در آژانس «هیچ سابقه‌ای وجود ندارد که با تأسیسات بمباران شده چگونه باید برخورد شود» و تأکید دارد که با توجه به این موضوع، «قانون مجلس الزاماتی دارد که دست ما را در برخی موارد بسته است.» وزیر خارجه معتقد است که «ما نمی‌توانیم همکاری با آژانس را به صورت کامل قطع کنیم. مثلاً حدود یک ماه یا یک ماه و نیم دیگر نوبت تعویض سوخت نیروگاه بوشهر است و این تعویض سوخت باید در حضور بازرسان آژانس صورت بگیرد.» او از همین‌جا پلی می‌زند به احتمال خروج ایران از ان‌پی‌تی و می‌گوید: «اگر روزی نظام تصمیم بگیرد از ان‌پی‌تی خارج شود، خب این کار را انجام خواهد داد. در حالی که فعلاً تصمیم داریم در ان‌پی‌تی بمانیم، من این را به عنوان مثال می‌زنم و تصور نشود که این بحث وجود دارد یا ندارد، بلکه ممکن است در آینده به نقطه‌ای برسیم که این بحث مطرح شود.» او به مذاکره با اروپاییان اشاره کرده و گفته که اروپاییان برای مذاکره «حتی بیش از ما به‌دنبال این موضوع هستند. در جلساتی که با طرف‌های اروپایی داشتیم، تأکید آنها نیز بر همین موضوع بوده است که باید ببینیم بر چه مبنایی می‌توانیم وارد مذاکره شویم.» او معتقد است که اگر اروپا از اسنپ‌بک استفاده کند «برای ما خسارت‌های سیاسی و راهبردی به‌دنبال خواهد داشت، اما این گونه نیست که پایان دیپلماسی یا پایان همه چیز باشد.» وزیر خارجه معتقد است که «فعال شدن اسنپ‌بک از نظر اقتصادی بیش از وضعیت موجود تأثیرگذار نخواهد بود.» او می‌گوید: «تأثیر اقتصادی آن بیش از وضعیت موجود نخواهد بود. تحریمی بیش از آنچه اکنون وجود دارد، وضع نخواهد شد. چون من مشاهده می‌کنم که بسیاری از مردم یا حتی برخی مسئولان تصور می‌کنند که اگر اسنپ‌بک فعال شود، تحریم‌ها بازمی‌گردند. سؤال من این است: کدام تحریم‌ها؟ تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت در مقایسه با تحریم‌های یکجانبه فعلی امریکا به‌مراتب محدودتر هستند.» عراقچی توضیح داده است: «تأثیر اسنپ‌بک بیشتر روانی است تا واقعی. ما همین بحث را داشتیم؛ گفته شد که ممکن است برخی کشورها بگویند به‌دلیل فعال شدن اسنپ‌بک، دیگر نفت نمی‌خریم. پاسخ ما این است که قطعنامه‌های شورای امنیت هیچ ارتباطی با نفت ما یا بانک‌های ما و بسیاری از دیگر حوزه‌های تحریم نداشتند. به همین دلیل بود که امریکا به سمت تحریم‌های یکجانبه رفت.» عراقچی در پاسخ به این سؤال که «چقدر به از سرگیری مذاکره با امریکا نزدیک شده‌ایم»، می‌گوید: «مذاکره با امریکا باید در زمان خودش انجام شود. هر مذاکره‌ای یک زمان خاص دارد که به آن «بلوغ مذاکراتی» می‌گویند و باید به آن بلوغ برسد تا انجام شود. از نظر من، ما هنوز به آن نقطه بلوغ نرسیده‌ایم که یک مذاکره مؤثر با امریکا صورت گیرد. به نظر من، امریکایی‌ها هنوز به نقطه‌ای نرسیده‌اند که وارد یک مذاکره برابر شوند.»

مرضیه موسوی | ایرنا

نمای نزدیک

نزدیک شدن عراقچی به الگوی رئالیستی

محمد جواد ظریف زمانی گفته بود از مخالفان جدی تفکر رئالیستی است ولی حالا سلف او تحت تأثیر شرایط خاص ایران، اقبالی کم‌سابقه به این سنت نشان می‌دهد. دیدگاه‌هایی که عراقچی در گفت‌وگوی اخیر خود بیان کرده، شاید متفاوت از قبل به نظر برسد، ولی ریشه در سنت نظری رایج رئالیستی دارد که هم از زبان سیاستمداران و هم در بیان نظریه‌پردازان سیاست بین‌الملل بیان شده است:

عراقچی می‌گوید هیچ‌کدام از جنگ یا سیاست قداست ذاتی ندارند باید با توجه به شرایط انتخاب شوند.	- کارل فون کلاوزویتس (نظریه‌پرداز امنیتی) می‌گفت: جنگ و سیاست ابزارهای متفاوت یک هدفند. از این منظر، سیاست (و مذاکره) و جنگ دو بُعد یک پیوسترانند. کلاوزویتس معتقد بود گاهی مذاکره و امتیازدهی می‌تواند هزینه‌ای حتی سنگین‌تر از یک جنگ کوتاه داشته باشد، چون به فرسایش بلندمدت و تضعیف قدرت ملی منجر می‌شود. - هانس مورگنتا معتقد بود که جنگ، یکی از ابزارهای دولت‌ها برای حفظ یا گسترش منافع ملی است و در عین حال تأکید می‌کرد که قدرت، معیار اصلی سیاست خارجی است و جنگ تنها زمانی توجیه‌پذیر است که از نظر منافع ملی ضروری باشد - کنت والتز نیز می‌گفت که در یک نظام بین‌الملل آنارشیستی، جنگ یک ابزار بالقوه برای بقا و حفظ امنیت کشورهاست.
عراقچی گفته که مذاکره‌منجر به تسلیم می‌تواند بدتر از جنگ باشد.	وینستون چرچیل، نخست‌وزیر دوره جنگ بریتانیا (در زمینه جنگ جهانی دوم): مماشات با هیتلر، صلحی پرهزینه‌تر از جنگ را به بار آورد دیپلماسی بدون قدرت، مثل ارکستر بدون ساز است. صلح تحمیلی گاهی می‌تواند بدتر از جنگ باشد.
عراقچی می‌گوید که گاهی نباید مذاکره کرد؛ مخصوصاً زمانی که مذاکره ممکن است به تسلیم، خواری، یا زیر سؤال رفتن عزت یک کشور بینجامد. زمانی که حاکمیت کشور تهدید شود و طرف مقابل بخواهد از طریق مذاکره به خواسته‌هایی برسد که از طریق جنگ نتوانسته به آنها دست یابد.	هنری کیسینجر تأکید می‌کرد که اگر مذاکره موجب تضعیف بازدارندگی شود، هزینه‌های بلندمدت آن سنگین‌تر از جنگ خواهد بود. اگر طرف مقابل بداند که شما قدرت بازدارندگی ندارید، حتی بهترین مذاکره هم می‌تواند شکست بخورد. دستاوردهای دیپلماسی تنها زمانی ارزشمندند که هزینه فرصت و توان بازدارندگی کشور حفظ شود.

گزارش ۲

نتانیاهو با توهم اشغال غزه به آتش‌بس «پشت» کرد

صهیونیست‌ها برنامه اشغال غزه را در حالی تصویب کرده‌اند که نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی هم در ادامه مواضع برخی اعضای کابینه‌اش، به آتش‌بس با حماس نه گفت. این در حالی است که برآوردها نشان می‌دهد، نه تنها نظامیان رژیم، انگیزه‌ای برای ادامه جنگ و پیوستن به عملیات «ارابه‌های گدعون ۲» ندارند بلکه به‌زعم یک عضو کنست، احتمال شکست این عملیات نیز بالاست.

با انتشار اخباری که از قریب‌الوقوع بودن آتش‌بس میان صهیونیست‌ها و غزه حکایت داشت و گزارش‌ها به موافقت طرفین اشاره می‌کرد، دیروز، سازمان رادیو و تلویزیون رژیم صهیونیستی به نقل از دفتر نخست‌وزیر در واکنش به پاسخ مثبت حماس به پیشنهاد مصر و قطر برای آتش‌بس در غزه، علناً از مخالفت شخص بنیامین نتانیاهو پرده برداشت و اعلام کرد: «سیاست اسرائیل ثابت بوده و تغییری نکرده و خواهان آزادی تمامی ۵۰ اسیر اسرائیلی طبق شروطی است که قبلاً اعلام شده است. اسرائیل در حال به زانو درآوردن کامل حماس است و هیچ اسیری را در غزه برجای نخواهد گذاشت.» نتانیاهو همچنان تأکید دارد: «ما به پنج اصل برای پایان جنگ پایبندیم؛ خلع سلاح حماس و نوار غزه، بازگشت اسرا، کنترل امنیتی اسرائیل و حکومت مدنی جایگزین غیر از حماس و تشکیلات خودگردان.» شبکه ۱۱ کان تلویزیون اسرائیل هم بر همنوایی نخست‌وزیر با اعضای تندرو کابینه صحه گذاشت و اعلام کرد: «نتانیاهو قانع شده است که باید عملیات نظامی در شهر غزه آغاز شود حتی اگر به صورت نمادین باشد. از دیدگاه او، این گام ممکن است بر حماس فشار وارد کند و همچنین پیامی به اسموتریچ و بن‌گویر ارسال کند که او در قصد خود برای شروع کنترل شهر جدی است.» بسیاری از اعضای کابینه معتقدند که یک معامله جزئی ممکن است منجر به آزادی برخی اسرا شود اما شانس آزادی کسانی که در اسارت باقی می‌مانند را کاهش می‌دهد.

ارسال دستور ۸ برای عملیات ارابه‌های گدعون ۲

رسانه‌های عبری گزارش دادند که اسرائیل کاتس، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی و ایال زمیر، رئیس ستاد ارتش این رژیم، طرح‌های اشغال شهر غزه را بر اساس تصمیم اخیر کابینه امنیتی تصویب کردند. روز سه‌شنبه، زمیر در تشریح مراحل طرح اشغال شهر غزه گفت که این طرح شامل چندین مسیر از جمله «تقویت نیروهای دفاعی اسرائیل در شمال نوار غزه» می‌شود و سربازان ذخیره اسرائیلی برای عملیات اشغال شهر غزه فراخوانده شده‌اند. کانال ۱۲ گزارش داد که ارسال دستورات خدمت اجباری، معروف به «دستور ۸»، به نیروهای ذخیره اسرائیلی در آماده‌سازی برای اشغال شهر غزه آغاز شده است. این کانال تأیید کرد که در روزهای آینده ده‌ها هزار دستور احضار به سربازان ذخیره ارسال خواهد شد و سرلشکر زمیر تصمیم گرفته است که خدمت سربازان ذخیره‌ای را که در حال حاضر در ارتش خدمت می‌کنند، تمدید کند و این گام نظامی جدید در راستای آماده‌سازی برای اشغال احتمالی شهر غزه است. این کانال در وبگاه خود اشاره کرد که مذاکرات در مورد تبادل اسرا با حماس ممکن است زیر آتش انجام شود و ارتش تا زمانی که توافقی حاصل و امضا نشود، متوقف نخواهد شد. صهیونیست‌ها قصد دارند در جریان عملیاتی موسوم به گدعون ۲، پنج لشکر به تعداد ۱۳۰ هزار نفر را بسیج کنند و فراخوان حضور نیروهای ذخیره برای ۲ سپتامبر به زودی صادر می‌شود. از این رو، به بیمارستان‌های شهر غزه اعلام شده تا آماده تخلیه کامل باشند و فرمان تخلیه کامل شهر به زودی صادر می‌شود. آوارگان در پناهگاه‌های جنوب نوار غزه اسکان داده می‌شوند و از نهادهای بین‌المللی خواسته شده بیمارستان صحرایی به پا کنند. بعد از تخلیه شهر، ابتدا شهر محاصره می‌شود و سپس عملیات ورود به شهر برای اشغال کامل اجرا می‌شود. کاتس که این نام را برای عملیات پیش رو انتخاب کرده، تأکید دارد که طرح کنونی ادامه عملیات «ارابه‌های گدعون» است و مدعی شد: «مرحله اول این عملیات منجر به شکست جنبش حماس و تسلط ارتش بر ۷۵ درصد از نوار غزه شد و زیرساخت‌های زیر زمین و روی زمین حماس را از بین برد.» وزیر جنگ این رژیم ادعا کرد: «پس از اتمام عملیات، چهره غزه دگرگون خواهد شد و دیگر مانند گذشته نخواهد بود.»

ضعف صهیونیست‌ها در جنگ چریکی

نتیجه مطالعه‌ای در دانشگاه عبری در اراضی اشغالی نشان می‌دهد که یک چهارم سربازان ذخیره رژیم صهیونیستی انگیزه خود را برای ادامه جنگ از دست داده‌اند و تقریباً نیمی از آنها در بحبوحه جنگ علیه غزه، از کابینه نتانیاهو ابراز نارضایتی کرده‌اند. این مطالعه روی بیش از ۳۰۰ سرباز ذخیره که در حال حاضر در جنگ خدمت می‌کنند، انجام شد. ۲۵/۷ درصد از شرکت‌کنندگان گزارش دادند که انگیزه آنها از آغاز عملیات نظامی به طور قابل توجهی کاهش یافته است، در حالی که ۱۰ درصد گفتند که انگیزه آنها کمی کاهش یافته است. وقتی از آنها در مورد احساسات‌شان درباره این جنگ سؤال شد، ۴۷ درصد احساسات منفی خود را نسبت به کابینه نتانیاهو و نحوه برخورد آن با جنگ و مذاکرات برای آزادی زندانیان صهیونیستی ابراز کردند. عامیت هالوی، نماینده کنست و عضو کمیته امور خارجی و دفاعی، عصر روز سه‌شنبه، طرح اشغال شهر غزه را مورد انتقاد قرار داد و بر لزوم تغییر آن تأکید کرد. هالوی هشدار داد که طرح کنونی بدون تغییرات اساسی، منجر به شکست جدی خواهد شد و مانند طرح قبلی (ارابه‌های گدعون) اهداف تعیین شده کابینه را محقق نخواهد کرد. به گفته وی، ارتش در جنگ زمینی و چریکی هیچ‌گونه مزیتی نسبت به حماس ندارد و نظامیان صهیونیستی تحت هیچ شرایطی نباید وارد شهر غزه شوند. این نماینده کنست ضمن انتقاد از زمیر، در عین حال بر لزوم محاصره غزه تأکید کرد و گفت که ساکنان شهر غزه پس از محاصره باید به بخش جنوبی محور «تتساریم» تخلیه شوند و ارتش از ورود هرگونه کمک به شهر غزه جلوگیری کند. به گفته وی، محاصره هوایی و زمینی شهر غزه با ممنوعیت ورود کمک‌های بشردوستانه، برق و سوخت، اشغال و پاکسازی غزه را برای نظامیان اسرائیلی تسهیل، و حماس را تسلیم خواهد کرد.

روسیه: غرب به اقدام تحریک‌آمیز اعزام نیرو به اوکراین پایان دهد

در حالی که مذاکرات صلح میان مسکو و کی‌یف با میانجیگری امریکا جریان دارد، غرب در حال بررسی اعزام نیروهای نظامی به اوکراین است تا به متحد خود اطمینان دهد که حتی پس از هر توافق آن را تنها نخواهد گذاشت. با این حال، مسکو این اقدام را تحریک‌آمیز خوانده و هشدار داده که چنین گام‌هایی می‌تواند مسیر دیپلماسی و دستیابی به صلح پایدار را به بن‌بست بکشاند.

مقامات و منابع امریکایی روز چهارشنبه اعلام کردند که برنامه‌ریزان نظامی ایالات متحده و اروپا، بررسی تضمین‌های امنیتی برای اوکراین پس از پایان درگیری را آغاز کرده‌اند. این اقدام پس از وعده دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا برای کمک به محافظت از این کشور در قالب هرگونه توافقی برای پایان جنگ روسیه انجام شده است.

بلومبرگ روز چهارشنبه گزارش داد، حدود ۱۰ کشور آماده اعزام نیروهای خود به اوکراین در چارچوب ارائه تضمین‌های امنیتی به کی‌یف پس از امضای توافق صلح می‌شوند و یک بسته تضمین امنیتی نیز احتمالاً این هفته تدوین خواهد شد. بلومبرگ نوشت: «امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه پس از دیدار رهبران اروپا با ترامپ درباره هماهنگی‌ها پیرامون ارائه تضمین‌های امنیتی به اوکراین اعلام کرد که نیروهای مسلح اروپا باید آماده مشارکت در عملیات‌های صلح‌بانی در اوکراین پس از پایان درگیری‌ها شوند.»

آن‌گونه که از محتوای گزارش رسانه‌ها برمی‌آید فرانسه و انگلیس رهبری اعزام نیروها را برعهده خواهند داشت. با این حال، امریکا خود را از این معرکه کنار کشیده و ترامپ گفته که نیروی زمینی به اوکراین اعزام نمی‌کند اما کمک‌های هوایی محتمل است. کمک هوایی می‌تواند به اشکال مختلف از جمله سامانه‌های پدافند موشکی یا جنگنده‌های مجری اجرای منطقه پرواز ممنوع ارائه شود اما هنوز مشخص نیست که امریکا تحت هرگونه توافق صلح پیشنهادی چه نقشی ایفا خواهد کرد.

از آنجا که احتمال می‌رود بخشی از خاک اوکراین در مذاکرات صلح، وجه‌المصالحه قرار گیرد، غربی‌ها قصد دارند با استقرار نیروهای زمینی در اوکراین، حداقل یک چارچوب امنیتی عملی ایجاد کنند.

هشدار مسکو

این اقدام غربی‌ها در حالی است که مسکو همواره ایده اعزام نظامیان غربی به قلمرو اوکراین را رد کرده است و این بار هم نسبت به عواقب این اقدام هشدار داد. میخائیل اولیانوف، نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین، در «تلگرام» نوشت: «غرب به‌طور فعال در حال بحث و بررسی فرضیه استقرار نیروهای خارجی در خاک اوکراین است. مسکو به‌روشنی اعلام کرده که استقرار نیروهای نظامی خارجی در اوکراین به طور کامل غیرقابل‌بحث است. وقت آن رسیده که به چنین بحث‌های تحریک‌آمیزی پایان داده شود». اولیانوف خاطرنشان کرد: «کسانی که این ایده را ترویج می‌کنند، به نظر می‌رسد در تلاشند تلاش‌های دیپلماتیک را تضعیف کرده و دستیابی به توافق صلح را غیرممکن سازند.»